

عناصر عام در زیبایی شناسی

محمد رضا ترابی ، وحید خسروی ، مهدی رضازاده

کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی ، دانشگاه آزاد اسلامی

کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی ، دانشگاه آزاد اسلامی

کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی ، دانشگاه آزاد اسلامی

چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی امکان وجود عناصر عام در همه هنرها تدوین شده است ، به این معنی که آیا محققا مقوله هایی وجود دارند که در همه هنرها با هم مشترک باشند؟ در تحقیق حاضر با استفاده از روش منطق قیاسی مکاتب فلسفی سنتی ، به بررسی امکان وجود مقوله های عام پرداخته شده است. چیزی که از آثار هیوم، کانت و هگل متبلور می شود ضرورت وجود مقوله های عام هنر را برای اطلاق نام هنر به دست آوردهای انسانی ضروری می نماید. گونه افراطی تعیین مقولات عام برای هنر را می توان در فلسفه هایی مثل مارکسیسم جست و جو کرد. جایی که ارزش هنر ها از طریق کارکرد سیاسی و اجتماعی تعیین می شوند. مارکسیسم تمام تلاش های بشری را با توجه به الگوی زیر بنا، روبنا سازمان دهی می کند، زیربنا ، اقتصاد است و سایر فعالیت ها مثل دین، هنر و آموزش و پرورش زمانی ارزشمند هستند که سبب تعالی زیر بنا شوند، روش شناسی مارکسیسم به هنر یک روش شناسی انفعالی است. در مقابل از رویکردهای افراطی اصالت هنر می توان، پسامدرنیسم را نام برد که اصالت را به هنر می دهد و هنر را تعریف ناپذیر و فاقد اصول عام می داند، چنین هنری، منفعل نیست و ضرورتا فاقد ویژگی هایی است که بتوان آن را در خدمت جامعه قرار داد . استفاده از یافته های روانشناسی تکاملی در زمینه زیبایی شناسی نیز راه را برای دست یافتن به مقوله های عام هنر هموارتر می کند. روانشناسی تکاملی معتقد به وجود برخی ویژگی های ذاتی در نهاد انسان است که در طول تاریخ تکامل انسان تثبیت شده اند، این ویژگی ها سبب می شوند که سرشت همه ی انسان ها تعریف واحدی از هنر و ویژگی های آن داشته باشند. با توجه به موارد ذکر شده می توانیم نظریات موجود را در یک بازه قرار دهیم که در یک سر آن نظریات افراطی اصالت هنر مثل پسامدرنیسم و نظریات سوفسطاییان یونان، و در سر دیگر آن نظریات انفعالی هنر مثل مارکسیسم و جنبش های دینی قرار می گیرد و در قسمت های میانی این بازه می توان نظریات روان شناسی تکاملی و منطقی را قرار داد.

کلمات کلیدی: عناصر عام، زیبایی شناسی، مارکسیسم، روانشناسی تکاملی، پسامدرنیسم،